

به نام خدا

داستان ایرانی

همی چهارشنبه‌های ما

انتشارات افق بی پایان

سرشناسه: شیشه‌گران، پرویز، ۱۳۴۸، - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: همدی چهارشنبه‌های ما/ به اهتمام پرویز شیشه‌گران.
مشخصات نشر: تهران: افق بی پایان، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۱۶۱ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۰۰-۳-۲
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
موضوع: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۹۶۵۸/ش PIR۴۲۴۹
رده بندی دیویی: ۸۱۲/۶۲۰۸
شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۶۹۱

همدی چهارشنبه‌های ما
به اهتمام و ویراستار: پرویز شیشه‌گران
در اجرای چاپ: مهدی خسروی
چاپ اول: بهار ۱۳۹۵
ناشر: افق بی پایان
باز: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۰۰-۳-۲
تیراژ: ۱۰۰۰ تومان
نشانی ناشر: تهران، خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، مرکز خرید دانشگاه، پلاک ۸
تلفن تماس: ۸۰۸۰۳۰۹۳ * ۶۶۹۵۷۳۳۵ * ۶۶۹۵۷۳۵۷ * ۰۹۱۲۳۰۴۰۸۷۸
نشانی اینترنتی: www.ofoqbp.com
نشانی پست الکترونیک: ofoqbp@gmail.com



هفت چهارشنبه‌های ما

نوبت چاپ: ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: افق بی پایان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۰۰۰۳-۲

نشانی دفتر: تهران-خ انقلاب-خ دانشگاه-جنب خیابان شهدای ژاندارمری
مرکز خرید دانشگاه-طبقه اول-انتشارات افق بی پایان

تلفن تماس: ۰۹۱۲۳۰۴۰۸۷۸ - ۶۶۹۵۷۳۳۵

اصلاً بی‌متنانه بود! یکهو همه پرت شدیم وسط کارگاه داستان.
جایی که استاد از پشت شیشه‌های عینک بی‌رنگش، حتماً ما را
رنگی می‌دید که هر کلامی می‌چرخید، می‌لیختند می‌زد و می‌ورد
می‌خواند: «اینجا کارگاه داستان بنویسید. بنویسید. داستان
بنویسید.» ما جادو شد!
و کارگاه ما نوشت ...

از متن کتاب

فهرست

۷	به جای مقدمه
۱۳	راهنما راست
۱۳	آذر معنوم بهوار
۱۹	دستمال شب
۱۹	لیلا جلیبی
۲۵	کالچ‌های شماره ۴۴
۲۵	زهر انصرا الهی
۳۳	اتوبسی در چهار ایزود
۳۳	مهر داد ایمان زاده
۵۹	نیمه‌ی گمشده
۵۹	علی‌رضا عبوضی
۶۷	مرد نوبتی
۶۷	فریبا رحمانی
۷۳	دست اول
۷۳	فریبا رحمانی
۷۹	عروسک
۷۹	شهناز کاملی
۸۳	مکه من می گذارم؟
۸۳	تهمینه میر هاشمیان
۸۷	پیغام
۸۷	مصطفی کلاته
۹۵	صف توئل‌های من
۹۵	مرضیه قدیانی

- ۱۰۱..... شش ۱۰۰ کلمه سکوت
- ۱۰۱..... سمانه پاکدل
- ۱۰۵..... پنجره
- ۱۰۵..... فرشته شهرابی
- ۱۱۱..... بوم نقاشی
- ۱۱۱..... فرشته شهرابی
- ۱۱۵..... دست‌های کشیده‌ی «او»
- ۱۱۵..... سیما خسروی دارستانی
- ۱۱۷..... شب گلدونی
- ۱۱۷..... مینا فرهمند
- ۱۲۳..... برگ‌ها در آفتاب بوی خوبی دارند
- ۱۲۳..... نازنین دق‌احمد
- ۱۲۵..... دیس اپوین
- ۱۲۵..... فاطمه (ایرین) علیپور
- ۱۲۷..... مدرسه ما
- ۱۲۷..... اشرف چیره دست
- ۱۳۱..... آپارتمان ۳۳
- ۱۳۱..... کتابون فحری (جهانبانو)
- ۱۳۵..... چهارپایه
- ۱۳۵..... کبری احمدی
- ۱۴۱..... استیصال
- ۱۴۱..... رحیم باقرنژاد
- ۱۴۷..... آقای شیر لعتی
- ۱۴۷..... لیلا جلیلی
- ۱۵۵..... خط دو
- ۱۵۵..... آذر معصومی مهوار

به جای مقدمه

سمانه پاکدل
هر چهارشنبه ساعت چهار، بیست و چهارم از کوچه‌ی نوید بهانه‌ای می‌شد تا از خاکستری واقعیت بفریم به دنیای خیال که سبز بود و آبی و سرخ و خاکستری و بنفش و سیاه و سفید و هزار رنگ دیگر؛ و بنویسیم. هرکس به رنگ خود. این شد نتیجه‌ی همه‌ی آن چهارشنبه‌های رنگی: همه‌ی چهارشنبه‌های ما.

لیلا جلینی:

اصلاً بی مقدمه بود! یکهو همه پرت شدیم وسط **کارگاه** داستان‌های که استاد از پشت شیشه‌های عینک بی‌رنگش، حتماً **ما** را رنگی می‌دید که هی نگاهش می‌چرخید، هی لب‌خند می‌زد و هی ورد می‌خواند: "اینجا **کارگاه** ماست. پس بنویسید. بنویسید. داستان بنویسید." **ما** جادو شد! و **کارگاه** ما نوشت ...

زهرا نصراللهی:

چهارشنبه بود و ...

یک داستان.

مهرداد ایمان زاده:

و ندانند هستی را آفرید و هستی را از کلمه آفرید و جادوی کلمات و شوق آفریدن، مرا به چهارشنبه‌ها کشاند، چهارشنبه‌ای که هم‌وزن تمام هفت بود، جمع، برای بودن، حرفی برای گفتن، داستانی برای نوشتن.

فریبا رحمانی:

آن‌ها خواهند آمد، با شتی از بار و بار، با کلمات ... آن‌ها آمدند ... با چهارشنبه‌ها ... با داستان.

رحیم باقر نژاد:

هفتادسال پیش در آبادان متولد شدم. پدرم از بزرگان ایلم داستان‌های سمعک عیار می‌خواند مرا همراه خود به سینما می‌برد. هنوز هم صحنه‌های فیلم‌هایی چون عترو ابله، هنسا و مالا، اسماعیل یاسین (مش) آرشین مالالان، امیرارسلان نامدار و فیل‌های سریالی آمریکایی با تیزر متروگلدوین مایر، پاره‌ای تصاویر ذهنی‌ام را می‌سازند. بعدها با هزار

دلار به آمریکا رفتم که کارگردانی سینما بخوانم که نشد. حالا هنوز فیلم می بینم، کتاب می خوانم تا بلکه داستان بنویسم.

مرضیه قدیانی:

می خواهم جور دیگری باشم، می خواستم نادیدنی ها را ببینم، ناگفتنی ها را بشوم، آدم ها را بفهمم و به جایشان، حتی به اندازه سر کشیدن یک داستان کوتاه، رسیدگی کنم. پس نوشتم و چهارشنبه های خیال انگیز را زندگی کردم.

فاطمه (ایرن) علیپور:

در شلوغی های مکرر و پرسر و صدای زنائی، تنها زمانی به آرامش می رسم که کاغذی و خودکاری بردی دارم و به کنج خلوت دلم پناه می برم تا روحم به اندازه تمام کلمات عالم گدازد.

مصطفی کلاته:

قلم. قلم و من. قلم و من و تو. اشتراک یک حس مختصر. و باقی بقایت ...

مینا فرهنگمند:

با شوق و ذوقی کودکانه قلم به دست، پا گذاشتم به چهارشنبه هایی که هزاران دنیای رنگی دارد به امید اینکه دنیای خیال من هم رنگ بگیرد.

سیما خسروی:

میان همه و شلوغی این روزهایم، تنها دمی که بیرون می‌کشید مرا از ازدحام و انبوه کارها، ساعتی بود که همراه می‌شدم با قلم دوستان و جمعی که بودنشان را از هر چیزی بیشتر می‌خواستم؛ که وجودشان سر ذوقم می‌آورد تا قلم بگذارم بر کاغذ.

شرف چیره‌دست:

همه، چهارشنبه‌ها با تمام شدن نقد، شخصیت‌ها متناسب با نقششان به وقار می‌روند. و کلمات رنگ و روی تازه و قابل درکی پیدا می‌کرد.

کتایون فحری (چران‌باز):

قلم، تو اشک می‌ریختی و من در دل تنگی‌ام بیرون می‌آمدم. تو از سطور می‌گریختی و من آزاد می‌شدم. من از غم، خود در وطنم، به قربت تو در «چهارشنبه‌ها» رسیدم.

شهناز کاملی:

غوغای کلمات درونم وقتی آرام می‌گیرند که روی کاغذ به‌صاف می‌ایستانمشان. نوری قرض گرفتم در روزهای پنجم هفته و آموختم فانوسم را چطور روشن کنم و راه بروم در غلغله‌ی درونم و همه را بیرون بکشم تا آرام بگیرند روی کاغذ سفید.

فرشته شهرابی:

عادتم شده بود چهارشنبه‌ها. من، بوم نقاشی و پنجره‌ای رو به حیاط. بنشینم روبروی هم از ناگفته‌هایمان قصه بیافیم برای یک شروع. پس به توکل نام اعظمت: بسم الله الرحمن الرحيم

کبری احمدی:

گوش سپردیم به ریویزی نهفته انسان‌ها و آن‌ها را به روی کاغذ آوردیم، با شکلی از کلمه با شکلی از داستان، در عصری از چهارشنبه‌ها.

تهمینه میرهاشمیان:

تلاشی برای پیوند دادن قلب‌ها و ذهن‌ها ساعاتی که علیرغم دنیا‌های متفاوتمان، یکدیگر را شنیدیم، تحمل کردیم و دست سپردیم، با این امید که شاید به هم نزدیک‌تر شویم.

علیرضا عیوضی:

نوشتن زایش است زایشی دردناک که در پس لحظه‌های آن آرامش و رنج می‌زند و در واپسین چهارشنبه‌ها به اوج می‌رسد و داستان اما همچنان باقی است ...

ناهید صادقی ارجمند:

با کدامین کلام می‌توان حس را نوشت، از چهارشنبه‌ها، جز با داستان.

آذر معصومی:

www.ketab.ir